

حضرت امیر المؤمنین علی (ع)
دو چیز مردم را هلاک کرده: ترس از نداری و فخر طلبی.

اذان ظهر: ۱۳:۰۹ غروب آفتاب: ۱۸:۵۵
اذان مغرب: ۱۹:۱۴ نیمه شب شرعی: ۲۳:۲۳
اذان صبح فردا: ۳:۵۱ طلوع آفتاب فردا: ۵:۳۳

پدیرش آگهی: ۸۳۲۲۱۰۰۰ توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر کمپوزیون
چاپ: همشهری تلفن: ۹۱۲۰۴۱۲۲

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج) کوچه شهید سید کمال قریبی، شماره ۱۴
کدپستی: ۱۹۶۶۶-۲۵۹۵۶ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۲۴۶
تلفن: ۲۲۰۴۶۰۶۷۰۰، ۲۲۰۴۳۰۰۰۰، ۲۲۰۴۳۰۰۰۰

همشهری: www.hamshahrionline.ir
سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

صفحه آخر

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
سرمدیر: دانیال معمار
مدیر تحریریه: مهدی علیپور
مدیران سردبیر: تعاونان سردبیر
شهرام فرهنگی، علی عمادی
شاهین امین، حامد فوقانی
مدیر فنی: حامد یزدانی
مدیر هنری: مهدی سلامی
مدیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک: مدیران حسین ارچلو
شورنگاران: مدیران سعید محمدی
مدیران پروانه بهرام نژاد
مدیران مریم باقرپور
اقتصاد: مدیران حسین لطفی
مدیران مریم موسی پور
تماشگران: مدیران امیر محمد یعقوب پور
مدیران لیلی فرسند

ایران شهور: مدیران زهرا عباسی
تندرستی: مدیران سعید محمدی
مدیران مریم سرخوش
سرخ: مدیران جواد عزیز
مدیران محمد جعفری
دانشتویها: مدیران ساسان شادمان
مدیران زهرا خالچی
سرزمین من: مدیران محمد باریکاتی
فرهنگ شهر: مدیران مهیما طباطبایی
گزارش: مدیران سعید میر
دیپلماتیک و استراتژی: مدیران سعید فرونی
مسئله آخر: مدیران جواد نصرتی
طرح و گرافیک: مدیران محمد علی حلیمی

حافظ
به صدق گوش، که خورشید را ایداز نغست
که از دروغ سبزه روی گشت صبح نخست

یادداشت

جاده بین نسل ها
دو طرفه است



حامد فوقانی
در دل جاده شهیرزاد به کیاسر و در میان تاریکی مطلق شب و خودنمایی هزاران ستاره، یکباره یاد نسل جدید افتادم؛ دهه هشتادها؛ نسل که از میان شان، ورزشکارانی به المپیک پاریس رفتند و غیرتمندانه تلاش کردند و جنگیدند تا برای میهن افتخار بیافرینند؛ نسل که در دنیای علم و تکنولوژی، کارهایی می کنند که گاهی شاخ درمی آوریم؛ نسل که چند روز دیگر، پرشور، راه مرزهای غربی و سرزمین عشق را در پیش می گیرند، فقط همگون نیست، به گونه ای صحبت می کنند، رفتار دارند و خلیهای از میان این نسل، لیبسی می پوشند که با عرف جامعه برای بهره بردن از سهمهای خدمت؛ اربعین نزدیک است، بله! خلاصه می نویسند که برای اغلب نسل های دهه ۴۰ مبه قبل، معنا ندارد، یا شاید بهتر باشد بگوییم که قدیمی ترها کلام آنها را نمی فهمند، نه اینکه بی معنا و خالی از محتوا باشد. انسان ها را گذشته اند نسل «زد»، معلوم نیست که اسم نسل بعدی را چه بگذارند و باید در انتظار چه شمایل و رفتارهایی خاص و عجیب البته برای نسل های پیشین باشیم. تحلیل های گوناگونی درباره نسل جدید مطرح می شود و بعضی ها تقدیهایی به آنها وارد می کنند و مثلا می گویند این نسل چنان در دنیای مجازی غرق شده که در آینده نمی توانند از عهده کارهایشان در دنیای واقعی بر بیایند. برخی دیگر اما می گویند همانقدر که نسل متفاوت هستند، همانقدر می توانند اعجاب انگیز دست به کارهایی بزنند که برای بشر بسیار مفید است؛ از روی ظاهر نباید قضاوت کرد و مثلا بر حسب غریبه بودن یا شریعت به آنها زد.

نسل جدید خیلی از چیزهایی را می بینند که نسل های قدیمی تر نمی بینند یا به سختی خواهند دید، اما این جاده ای که بین نسل ها شکل گرفته، یک طرفه نیست. نسل های قدیمی تر هم چیزهایی دیده اند که اگر برای جدیدی ها بازگو شوند، یا اصلا تصویری نمی توانند از آنها بسازند یا باید با دشواری به دست شان آورند. همین آسمان کالته شهرها، زمانی بود، هر گاه که شب بسترش را پهن می کرد و سرمان را بالا می گرفتیم ستاره ها شمردنی نبودند. هر کسی سعی می کرد بزرگ ترین ستاره را برای خودش انتخاب کند. ستاره ها در تابستان حساسی چشمک می زدند و شهاب سنگ ها از شگفتی های فضا می گفتند تا لحظاتی هم که شده ما را به فکر فرو ببرند، اما اکنون، در تابستان پرده گردوغبار و آرن جلوی دید ما را گرفته تا ستاره ها را بتوان با انگشتان دست شمرد. سرها همیشه به پایین است و نور موبایل در صورت های ما، تابند. روشنائی شهرها، بر نور ستاره ها هم غلبه می کند و اگر نوجوانی و جوانی شهر نشین بخواهد ستاره انتخاب کند، باید راه سفر به کویر یا روستاهای بکر را بگیرد. نسل زد، حساسی از غلبه دادن پوی پوست نارنگی سوخته بر بوی نفت بخاری و الوار، جوشاندن باتری های کتابی رو به اتمام در آب برای روشن کردن دوباره رادیو، جابه جا کردن آنتن تلویزیون، پرورش کرم ابریشم با تغذیه برگ درخت توت، ساخت الیوم تمبر و خیلی چیزهای دیگری که دهه شصتی ها به قبل، خوب به یاد دارند نخواهد داشت. البته که نمی شود در گذشته زندگی کرد اما نسل های پیشین هم دنیایی را تجربه کرده اند خاص زمان خود. جاده گوناگونی بین نسل ها حتما یک طرفه نیست.

درخشش جهانی سی و سه پل
در فهرست زیباترین پل های جهان قرار گرفته است



سی و سه پل و چه پل خواجو، در فهرستی که اخیرا در فضای مجازی پربازدید شده، نام سی و سه پل در کنار پل های زیبا و چشم نواز جهان قرار گرفته است. برخی از این پل های زیبا اینها هستند:

این پل تاریخی به چشم مسایرانی ها آشناست؛ پل الهوردی خان یا سی و سه پل که در شهر اصفهان، از روی زاینده رود عبور می کند و از عهد صفویه به جای مانده است. این پل از ۳۳ ستون تشکیل شده و ۲ طبقه است و حدود ۳۰۰ متر طول دارد.

پل «پونته کیو» در فلورانس یکی از قدیمی ترین پل های دنیاست. یکی از جذایب های این پل تاریخی، مغازه های جواهر فروشی، فروش آثار هنری و سوغاتی های رنگارنگ است که روی آن بنا شده.

پل طلایی ویتنام که به دست خدا معروف است، ترکیبی از زیبایی هنر انسان و طبیعت است. این پل با توده های طلایی رنگ که روی دست غول پیکر بنا شده، به رهگذران اجازه می دهد ۱۵۰ متر را روی آن قدم برند.

پل «اورسوند»، ترکیبی از پل، جزیره مصنوعی و تونل است که ۲ کشور سوئد و دانمارک را به هم متصل می کند. در این مسیر، ۴ لایه راه آهن و ۴ خط برای رفت و آمد خودروها در نظر گرفته شده است.

پل «میلو» در فرانسه، با ۳۴۳ متر ارتفاع، بلندترین پل جهان است که تجربه منحصر به فرد رانندگی را در بالای ابرها به شما می چشاند. این پل روی رودخانه تارن در جنوب فرانسه بنا شده است.

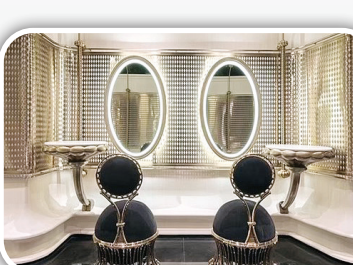
گرتنویج

فروش مدال طلای المپیک



سولفرد کوآندا ۲۵ ساله، وزنه بردار نروژی که در وزن ۸۱ کیلوگرم با یک رکورد المپیک در بازی های پاریس قهرمان شد و با مجموع ۲۷۵ کیلوگرم، مدال طلا را بر گردن انداخت، اعلام کرده که شاید مدالش را به فروش برساند. او در حالی که از درآمد آنکوزنه برداران کشورش گلایه کرده، می گوید: «شاید مجبور شوم مدال طلا را به فروش برسانم تا برای تأمین مالی مادگی برای المپیک ۲۰۲۸ هزینه کنم». این اظهارات انتقاد آمیز وزنه بردار زن نروژی از وضعیت بد اقتصادی اش است. نروژ جزو ۴ کشوری است که در مسابقات المپیک ۲۰۲۴ به مدال اوران خود پاداش نمی دهد.

سلفی با دستشویی لاکچری

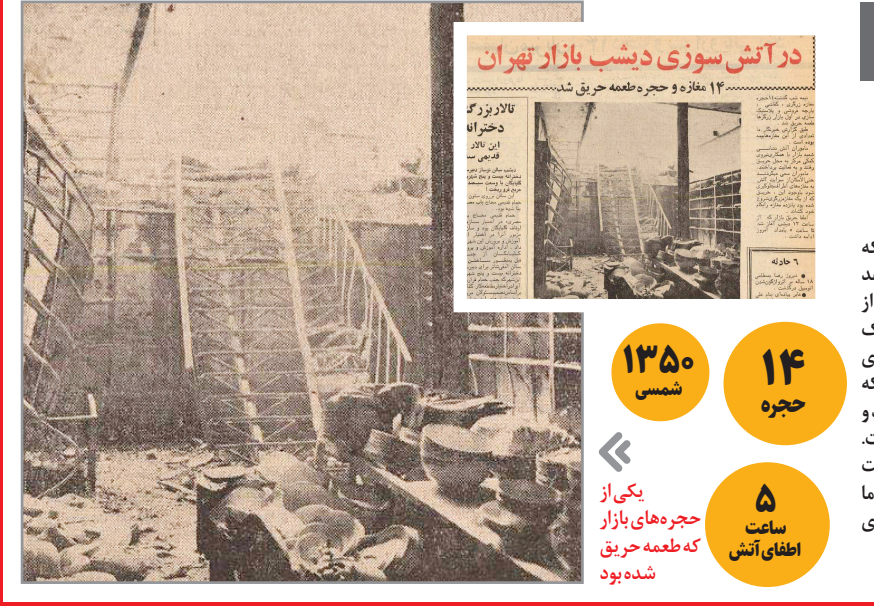


شاید برایتان جالب باشد که بدانید در کشور چین، یک دستشویی عمومی وجود دارد که عنوان لاکچری ترین توالت جهان را به دست آورده و برخی بر این باورند که این شگفت انگیزترین دستشویی عمومی جهان است. این دستشویی لوکس در طبقه ششم مرکز خرید دچی پلازا در نانجینگ چین واقع شده و طراحی آن از یک راهروی مجلل با یک فواره پر گل گرفته تا دیوارهای تزیین شده با کاغذ دیواری و پنجره های نرده دار طلایی، با مفهوم توالت عمومی همخوانی چندانی ندارد و حتی برای یک هتل پنج ستاره هم بیش از حد است. شرکت معماری مجری این طرح مستقر در شانگهای گفته که این دستشویی به قدری محبوب شده که گردشگران فقط برای دیدن آن به مرکز خرید می آیند تا از آن بازدید کنند و عکس و سلفی بگیرند.

تهران مصور

۵۳ سال پیش

آتش در بازار زرگرها



بازار تهران با بافتی قدیمی و فرسوده، از آن نقاطی است که آتش نشانی هر چند وقت یکبار دربارہ ایمنی آن هشدار می دهد و از گذشته تا امروز، آتش سوزی های متعددی هم در این نقطه از پایتخت رخ داده که گاهی بزرگ و نگران کننده و گاهی در حد یک یاد و حجره بوده. اما یکی از بزرگ ترین و مهم ترین آتش سوزی های بازار تهران، در سال ۱۳۵۰ در راسته بازار زرگرها رخ داد؛ اتفاقی که نیمه شب ۱۴ حجره را در میهم ترین مرکز اقتصادی تهران سوزاند و از بین برد و بازار ناب گسترده ای در نشریات و جراید آن زمان داشت. آتش از یک مغازه زرگری آغاز شده و به حجره های اطراف سرایت می کند. آتش نشانان از ۱۲ شب تا ۱۵امداد آتش را اطفاء می کنند اما مغازه های مثل کفاشی، بارچه فروشی و پلاستیک سازی ابتدای راسته بازار زرگرها طعمه حریق می شوند و کامل از بین می روند.

۱۴ حجره
۱۳۵۰ شمس
۵ ساعت اطفای آتش
یکی از حجره های بازار که طعمه حریق شده بود

باغ وحش دیواری لندن



وقتی روز دوشنبه هفته گذشته، اهالی جنوب غربی لندن، از خواب بیدار شدند، نزدیک پل کیو، با تصویر بزی مواجه شدند که روی یک دیوار بلند سیمانی نقاشی شده بود؛ بزی سیاه رنگ که انگار، صخره های زیر پایش، در حال ریختن است! و ساعت یک به وقت محلی، نقاش آن مشخص شد؛ «بنکسی» هنرمند و منتقد سیاسی ناشناسی که این اثر را بدون هیچ توضیحی، در صفحه اینستاگرامش منتشر کرد. البته بسیاری از مردم جهان با آثار بنکسی آشنا هستند و می دانند او از خلق نقاشی های خود روی دیوارها، هدفی را دنبال می کند؛ مثلا برخی کارشناسان معتقدند همزمانی خلق این اثر با بمباران های بی رحمانه مردم غزه توسط اسرئیل، اشاره به سرزمین از دست رفته فلسطینی ها دارد و یا... اما ماجرا وقتی مرموزتر شد که فردای آن روز، روی یکی دیگر از دیوارهای شهر لندن، بنکسی، اثری دیگر را خلق و آن را سر ساعت یک، دوباره در اینستاگرامش، منتشر کرد؛ تصویر نیم رخ دو قیل، در دو پنجره بسته، در کنار هم، به شکلی که خرطوم هایشان را به سمت هم گرفته اند و قصه تا به امروز هم ادامه پیدا کرده است؛ هر روز یک حیوان به سبک دوبعدی سیاه و سفید روی یکی از دیوارهای پایتخت انگلستان! اما این هنرمند خیابانی گریز باز، از کشیدن میمون ها، گرگ ها، پللیکان ها و گربه ها، چه هدفی را دنبال می کند؟ شاید بنکسی دلش می خواهد شما هم آثارش را ببینید و هر آنچه دل تگتان می خواهد، برداشت کنید.

سیدروس طباطبایی پور